

قرار است جنرال راحیل شریف، رئیس ستاد ارتش پاکستان امروز به افغانستان بیاید. عاصم بجوا، سخن گوی ارتش پاکستان در صفحه ی توئیترش نوشته است که رئیس ستاد ارتش پاکستان در این سفر یکروزه با مقام های ویژه سیاسی و نظامی افغانستان دیدار می کند. روزنامه ی پاکستانی اکسپرس تریبون به نقل از یک مقام حکومت افغانستان که نخواست نامش گرفته شود، نوشته است که آقای شریف در این سفر درباره ی ادامه ی گفت و گوهای صلح و بهبود روابط افغانستان و پاکستان با مقام های افغانستان بحث خواهد کرد.

راحیل شریف در حالی به افغانستان می آید که روز جمعه نرندرا مودی، نخست وزیر هند برای گشایش ساختمان جدید مجلس به افغانستان آمده بود. آقای مودی در این سفر هم چنان سه چرخ بال نظامی و ۵۰۰ بورس تحصیلی برای خانواده های قربانیان نیروهای امنیتی افغانستان داد. با تیره شدن روابط کابل و اسلام آباد پس از چند حمله ی خونین در کابل، مقام های پاکستان در دیدار چهارجانبه با افغانستان، ایالات متحده آمریکا و چین در حاشیه ی نشست کشورهای قلب آسیا در اسلام آباد، تعهد سپردند که با روند گفت و گوهای صلح افغانستان همکاری می کنند و گروه های تروریستی مخالف دولت افغانستان را نیز هدف می گیرند.

شماره ی ۶۴ سال دوم، یکشنبه، ۶ جدی ۱۳۹۴ هجری خورشیدی، ۲۷ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی

بازگشت روسیه



بهرام آمونبایی

در کنار عوامل دیگر، ناتوانی های دولت واشنگتن در مدیریت بحران های دنیا سبب شده تا قدرت هایی مثل روسیه، چین و ایران فرصت ها و زمینه های بیشتری برای مانور سیاسی پیدا کنند و با رویکردهای موفق تر در مقایسه با کار شیوه های امریکایی، "نظم نوین جهانی" واشنگتن را به چالش بکشند. باری، بازگشت روسیه قطعی است، اما این بار نه با رویکرد "سوسیالیزم واقعی موجود"، بلکه در شکل و شمایل سرمایه داری نوع روسی. اما اینکه پیامدهای مهم این بازگشت چقدر میتواند روی وضعیت بحرانی افغانستان تاثیر بگذارد، موضوعی است که با گذشت زمان روشن خواهد شد.

صفحه ی ۲

مجلس:

مهم هفته: ارتش عراق: در حال پیشروی به سوی قلب رمادی هستیم

مجلس: اظهارات نماینده روسیه در مورد طالبان قابل تحمل نیست

نمایندگان مجلس در واکنش به سخنان اخیر ضمیر کابلوف، نماینده ویژه رییس جمهور روسیه در امور افغانستان درباره رابطه این کشور با طالبان را غیر قابل تحمل خواندند. کابلوف هفته گذشته به خبرگزاری انترفاکس گفته بود که کشورش برای مبارزه با گروه داعش، با طالبان منافع مشترک دارد. او گفته بود که روسیه با گروه طالبان تماس برقرار کرده و مصروف تبادل اطلاعات با این گروه است.

شماری از نمایندگان مجلس افغانستان این اظهارات او را مداخله آشکار در امور داخلی افغانستان خواندند و وزارت خارجه را به دلیل سکوتش در برابر این گونه اظهارات کشورهای دیگر، سخت نکوهش کردند.

این نمایندگان می گویند که افغانستان به میدان جنگ قدرت های بزرگ تبدیل شده و دیگر توان تحمل این جنگ را ندارند. آن ها از حکومت افغانستان می خواهند که در این باره جدی باشد و دست های بیگانه ها را از افغانستان کوتاه کند.

شینکی کروخیل، یکی از این نمایندگان این اظهارات آقای کابلوف را نتیجه اظهارات غیرمسئولانه شماری از اعضای مجلس می داند.

هم چنان عبدالرؤف ابراهیمی، رییس مجلس سکوت وزارت خارجه افغانستان در قبال اظهارات نماینده ویژه روسیه در امور افغانستان را پرسش برانگیز می داند. او به کمیسیون های مربوط مجلس وظیفه سپرد تا دلیل این سکوت را از مقام های وزارت خارجه جو یا شوند.

مهم هفته: ارتش عراق: در حال پیشروی به سوی قلب رمادی هستیم

پیشروی به سوی قلب رمادی هستیم

نیروهای عراقی می گویند، در نبرد با شبه نظامیان گروه موسوم به دولت اسلامی داعش در رمادی در حال پیشروی به سوی قلب این شهر هستند و تلاش می کنند آخرین منطقه آن را که هنوز در اختیار داعش است پس بگیرند.

این عملیات که از روز سه شنبه گذشته (۱۵ دسامبر) آغاز شده، در روزهای اخیر با مقاومت شدید نیروهای باقی مانده داعش و تله های انفجاری این گروه به کندی پیش می رود. عملیات انتحاری و تک تیراندازهای داعش هم از دیگر موانع پیشروی نیروهای دولتی عراق است.

یحیا رسول، سخنگوی ارتش، اعلام کرد که نیروهای عراقی به چندصد متری ساختمان های دولتی در مرکز شهر رمادی رسیده اند. به گفته آقای رسول پرهیز از تلفات غیرنظامی اولویت نیروهای عراقی است و ارتش نگران آن است که داعش از غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی استفاده کند.

شهر رمادی در ۱۲۰ کیلومتری غرب بغداد، مرکز استان انبار عراق است که در اواسط بهار به دست نیروهای داعش افتاد.

پس گرفتن این شهر می تواند یکی از مهم ترین پیروزی های نیروهای دولتی عراق در برابر داعش محسوب شود که از تابستان سال گذشته تا کنون حدود یک سوم از خاک این کشور را اشغال کرده است.

ترجمه: دیپلماسی ایرانی

منبع: میدل ایست آی

پشت پرده ی حضور نظامی روسیه در سوریه



واکوی قرار نداده بود.

هدف نهایی روسیه در سوریه

قطر، بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی در سال ۲۰۰۹ به اسد پیشنهاد احداث یک خط لوله انتقال گاز به اروپا را داد که از سوی سوریه رد شود. سوریه برای حمایت از منافع متحد دیرین خود، یعنی روسیه که مهم ترین تامین کننده گاز اروپا است، از پذیرش طرح قطر امتناع کرد. خط لوله قطر برای اروپا نیز پیشنهاد مساعدی بود، چرا که اروپا به گاز روسیه وابسته است و پوتین می تواند هر زمان که اراده کرد با قطع جریان گاز خود به تهدید اروپا بپردازد.

صفحه ی ۳

انرژی یکی از مولفه هایی است که همواره نقش قابل توجهی در معادلات سیاسی خاورمیانه بازی کرده است. زمانی که روسیه با ادعای مبارزه با داعش حملات هوایی خود را در سوریه آغاز کرد، بسیاری انگیزه روسیه از ورود به این جنگ را مورد پرسش قرار دادند. تا پیش از این، هدف روسیه و ارتباط موضوع انرژی با جنگ داخلی سوریه مورد پرسش قرار نگرفته بود.

از زمان آغاز جنگ داخلی در سوریه، روسیه به طرق مختلفی مثل ارسال تسلیحات و وتوی پیش نویس قطعنامه های شورای امنیت، به حمایت از رژیم بشار اسد پرداخته است. از آنجایی که رابطه دو کشور سابقه ی چهل ساله داشته و روسیه در طرطوس پایگاه دارد، هیچ کس هدف و انگیزه اصلی روسیه را مورد

وزیر مالیه: بیشترین مالیات را در ۱۳ سال

گذشته جمع آوری کرده ایم

بیش از ۵۵ میلیارد افغانی توسط گمرک های افغانستان، ۲۰ میلیارد توسط وزارت خانه ها و بقیه توسط مستوفیت ها (اداره های مالی ولایتی)، مالیه دهندگان کوچک، متوسط و بزرگ جمع آوری شده است.

دلایل افزایش مالیات

آقای حکیمی گفت که دلیل افزایش مالیات این بود که این وزارت با شماری از مالیه دهندگان که به دلایل مختلف مالیات خود را نپرداخته بودند، وارد مذاکره شده و براساس قانون مالیات افغانستان مالیات معوقه ی این افراد را وصول کرده است. او گفت که شماری از اداره های دولتی در سالهای گذشته مالیاتها را به صورت غیر قانونی به حسابهای دیگر جمع آوری کرده و به حساب خزانه ی مرکزی افغانستان انتقال نداده بودند.

آقای حکیمی ایجاد تغییرات در گمرک های افغانستان، وضع تعرفه های زراعتی، جمع آوری مالیات از کارتهای اعتباری مشتریان شرکتهای مخابراتی و افزایش حق عبور برای هواپیماها از فضای افغانستان از ۴۰۰ دالر به ۵۰۰ دالر را یکی از دلایل افزایش میزان مالیات افغانستان ذکر کرد. او نظارت بر گمرک ها و مدرن سازی اداره های گمرک های افغانستان را از عامل دیگر افزایش مالیات در افغانستان خواند. سال مالی افغانستان از اول ماه جدی آغاز و آخر ماه قوس سال بعد پایان می یابد.

اکلیل حکیمی، وزیر مالیه ی افغانستان اعلام کرد که این وزارت توانسته است در سال جاری مالی این کشور، بیش از ۱۲۰ میلیارد افغانی (حدود ۱.۸ میلیارد دالر) مالیات جمع آوری کند.

در سند بودجه ی سال ۱۳۹۴، وزارت مالیه ی افغانستان پیش بینی کرده بود که در حدود ۲.۲ میلیارد دالر از بودجه ی ۸ میلیارد دالری این کشور را از درآمد مالیاتی تامین خواهد کرد. افغانستان تاکنون فقط قادر به تامین حدود ۲۹ درصد از بودجه ی خود از منابع داخلی بوده و ۷۱ درصد دیگر از کمک های بین المللی تامین می شود.

آقای حکیمی گفت که این کشور به صندوق بین المللی پول تعهد کرده بود که تا آخر سال مالی افغانستان عواید داخلی اش را به حدود ۱۱۴ میلیارد افغانی افزایش دهد، ولی کابل قادر شده که ۶ درصد بیشتر از تعهد خود به این نهاد مالیات جمع آوری کند. او گفت که جمع آوری این مقدار مالیات در ۱۳ سال گذشته سابقه نداشته است. بیشترین مالیاتی که در سالهای اخیر جمع آوری شده، ۱۰۹ میلیارد افغانی در سال ۱۳۹۲ بوده است.

وزیر مالیه ی افغانستان گفت که در مقایسه با سال ۱۳۹۳ مالی در سال جاری بیش از ۲۰ میلیارد افغانی بیشتر مالیات جمع آوری شده که ۲۱ درصد افزایش را نشان می دهد. او گفت که موفقیت افغانستان به جمع آوری این حجم از مالیات باعث شده که کمک کنندگان بین المللی ۷۵ میلیون دالر بودجه ی تشویقی به افغانستان بدهند. به گفته ی وزیر مالیه ی افغانستان

گپ مردم



هند، بازیگر محبوب در افغانستان

ب. آنری

گشایش تعمیر جدید پارلمان افغانستان از سوی نرندرا مودی، نخست وزیر هند و در پی آن، تحویل‌دهی سه فروند چرخبال MI25 به حکومت کابل، یکبار دیگر نقش سازنده، صلح‌خواهانه و استراتژیک هند در کشور را برجسته کرده است. مودی و اشرف غنی هر دو در مراسم گشایش تعمیر جدید پارلمان از اشتراک منافع و روابط دوستانه‌ی دراز میان هند و افغانستان سخن زدند که به باور غنی با آمدن هر زمام‌داری در کشور تغییر نخواهد کرد. نخست‌وزیر هند گفت که کشورش برقراری امنیت در افغانستان را به سود خودش می‌داند و به این دلیل برای ثبات‌سازی و تامین زندگی بهتر در این کشور حضور دارد، نه رقابت با دیگران: اشاره‌ی برای رد ادعای راه‌اندازی جنگ نیابتی هند که همواره از سوی نظامیان پاکستان و شماری از تحلیل‌گران امور سیاسی مطرح می‌شود. صرف نظر از درستی و نادرستی نظریه‌ی جنگ نیابتی هند و پاکستان در افغانستان، آنچه در درستی‌اش نمیتوان شک و تردیدی داشت، اینست که هند در برخورد با رقبایش از جمله پاکستان، دیپلماسی نرم و میانه‌رو را برگزیده و سعی دارد از راه تعادل و توازن طوری با افغانستان رابطه برقرار کند که پاکستانی‌ها خوف و هراس زیادی از آن نداشته باشند. دیدار کوتاه نرندرا مودی با نواز شریف، همتای پاکستانی‌اش در لاهور در راه بازگشت به هند، نشان از این دارد که حکومت مودی، به‌ویژه در مسئله‌ی افغانستان در تلاش تنش‌زایی با پاکستان نیست. اما اگر از نظر دیگری به این دیدار کوتاه ببینیم، با توجه به استقبال گرم و دوستانه‌ی که افغانستانی‌ها از مودی در کابل کردند، و در عین حال، همزمانی گشایش تعمیر جدید پارلمان و تحویل‌دهی سه فروند چرخبال MI25 که ارتش افغانستان در جنگ با طالبان سخت به آنها نیاز دارد، این کار گونه‌ی از به‌رخ‌کشیدن موفقیت تازه‌ی هند در افغانستان نیز است. دهلی جدید در میان مردم عادی و سیاست‌گران افغانستانی، به عنوان همکار سازنده و صلح‌دوست، و پشتیبان رفاه و ترقی کشور مطرح است؛ در حالیکه پاکستان موجود شرور و توطیه‌گری خوانده می‌شود که همواره در تلاش خرابکاری، جنگ و خشونت در افغانستان است؛ و هرگز به چشم همسایه‌ی نیک به این کشور ندیده و مدام سعی کرده دولت کابل را به زیردست خودش تنزیل دهد.

جنگ‌گرایی نظامیان پاکستانی به همان میزانی که در این کشور موفق به جلب حمایت مردم شده است، در هند و افغانستان نفرت و بدبینی نسبت به زمامداران پاکستانی را بیشتر کرده است. روشن است که نظامیان پاکستان از محبوبیت هند در میان افغانستانی‌ها سخت رنج می‌برند و در حال حاضر برای کاهش خشم‌شان از روابط روبه‌گسترش دهلی-کابل، راه مناسبی جز پشتیبانی بیشتر از تروریزم و تندروی اسلامی را سراغ ندارند. از این نظر، به همان میزانی که روابط کابل با دهلی جدید بیشتر گسترش می‌یابد، بدبینی نظامیان پاکستانی نسبت به دولت کابل بیشتر می‌شود. اما افغانستان به عنوان کشوری که سعی دارد خودش را از زیر بار وابستگی به بیگانه‌ها نجات دهد، نمیتواند به سراب صلح پاکستان‌محور دل خوش کرده و دوستان استراتژیک‌اش را از خود براند. اگر نظامیان پاکستانی حاضر نیستند روی گزینه‌های غیر از تندروی اسلامی و جنگ فکر کنند، افغانستان چه باید کند؟

بازگشت روسیه



است. شاخ‌به‌شاخ شدن ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه با قدرت‌های بزرگ جهانی بر سر بحران اوکراین و سوریه فاکت نیرومندی از بیداری دوباره‌ی روس‌ها و برگشت به رقابت‌های جهانی برای تقسیم دوباره‌ی دنیا به دست می‌دهد. روسیه‌ی امروزی که میراث‌دار امپراتوری شوروی پیشین است، سعی دارد ثابت کند که دوران جهان تک‌قطبی به پایان رسیده و ایالات متحد آمریکا به عنوان ابرقدرت دنیا باید از برتری‌خواهی و تحمیل "نظم نوین جهانی" مورد نظر خودش بر سایر کشورها دست بکشد. پوتین بارها از رویکرد تک‌محورانه‌ی ایالات متحد آمریکا در جهان انتقاد کرده و یکی از دلایل بحران‌های کنونی در جهان از جمله در خاور میانه را ناشی از عظمت‌طلبی‌های بی‌حد و حصر زمامداران آمریکایی دانسته است. او در یکی از اظهارنظرهایش گفته بود که آمریکا از اینکه مدام می‌خواهد وانمود کند که دنیا را مدیریت می‌کند، دست بردارد. این نقد او به درستی تکراری‌های امپریالیستی ایالات متحد آمریکا را زیر پرسش می‌برد و خبر از موج جدید رقابت‌های ژئوپولیتیک در جهان دارد. در کنار عوامل دیگر، ناتوانی‌های دولت واشنگتن در مدیریت بحران‌های دنیا سبب شده تا قدرت‌هایی مثل روسیه، چین و ایران فرصت‌ها و زمینه‌های بیشتری برای مانور سیاسی پیدا کنند و با رویکردهای موفق‌تر در مقایسه با کارشویه‌های آمریکایی، "نظم نوین جهانی" واشنگتن را به چالش بکشند.

باری، بازگشت روسیه قطعی است، اما این بار نه با رویکرد "سوسیالیزم واقع موجود"، بلکه در شکل و شمایل سرمایه‌داری نوع روسی. اما اینکه پیامدهای مهم این بازگشت چقدر میتواند روی وضعیت بحرانی افغانستان تاثیر بگذارد، موضوعی است که با گذشت زمان روشن خواهد شد.

برداشت‌ها نسبت به خود را تغییر دادند و برعکس دولت کابل، وزنه و اعتبار بیشتری برای حامیان خارجی خودشان کمایی کردند. یکی از دلایلی که روس‌ها سعی دارند با این گروه وارد تعامل شوند، در این واقعیت تلخ نهفته است. گروه طالبان به دلیل ضعف زنده‌ی حکومت کابل، نقش دولت بدیل را ایفا می‌کنند و قدرت‌های بزرگ بجای همکاری با دولت کابل، روی قدرت و توانایی این گروه حساب باز می‌کنند.

همکاری دولت روسیه با طالبان نشان‌دهنده‌ی تغییر جدی در استراتژی مبارزه با تروریزم دولت مسکو نیز است: بهره‌برداری از تروریزم علیه تروریزم. روس‌ها به قاطعیت و صداقت در سیاست‌گری معروف اند، اما گسترش روزافزون موج تندروی اسلامی و دهشت‌انگنی در خاور میانه و افغانستان، حالا روس‌ها را وادار به این تغییر راهبردی کرده است که بجای نابودی تروریزم آنرا مهار کنند: اگر داعش را نمی‌شود از میان برد، دست‌کم میتوان آنرا با استفاده از اهرم طالبان در افغانستان محدود کرد، تا امنیت مرزهای کشورهای هم‌سود و متحد روسیه تامین باشد.

امریکایی‌ها بارها ثابت کرده اند که قصد و اراده‌ی برای نابودی تروریزم ندارند و صرف در صد مهار این پدیده هستند، تا هم بتوانند از آن علیه هدف‌های دشمن بهره‌برداری کنند و هم بهانه‌ی باشد برای ادامه‌ی جنگ که چرخ صنعت پرفروش اسلحه‌سازی را به گردش در می‌آورد. حالا روس‌ها نیز در تلاش عملی‌کردن یک چنین استراتژی‌ی در منطقه هستند. روس‌ها یاد می‌گیرند که با واقعیتی نسبت به پدیده‌ی تروریزم برخورد کنند و به این دلیل، در تلاش یافتن راه‌های کوتاه رسیدن به منافع ملی‌شان اند.

این دیگر واقعیت آشکار و غیرقابل انکار است که روسیه‌ی امروز به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ به صحنه‌ی رقابت‌های ژئوپولیتیک جهانی بازگشته

آخرین ضمیر کابلوف، نماینده‌ی ویژه‌ی رئیس جمهور روسیه در امور افغانستان، از برقراری تماس با طالبان به هدف مبارزه با داعش به عنوان "دشمن مشترک" خبر داده است. آقای کابلوف، جزئیات بیشتری در مورد این تماس‌گیری‌ها ارائه نکرده، اما گفته است که کشورش در حال تبادل‌ی اطلاعات با طالبان در پیوند به فعالیت‌های داعش می‌باشد. اینکه روس‌ها به‌جای دولت افغانستان با طالبان، گروهی که از سوی آنها تروریست خوانده می‌شود، در مبارزه با داعش همکاری می‌کنند، نشانه‌ی قوی از بی‌اعتمادی دولت مسکو به حکومت غنی-عبدالله است.

روس‌ها از مدت‌ها پیش به این باور رسیده اند که داعش پروژه‌ی آمریکایی است. رسانه‌های روسیه با صراحت تمام در این مورد ابراز نظر می‌کنند که داعش و سایر گروه‌های تندرو اسلامی توسط سازمان‌های استخباراتی غرب و دوستان منطقه‌ی آنها (عربستان سعودی، ترکیه، قطر و امارات متحد عربی) تمویل و تسلیح می‌گردند. موج افشاگری از سوی رسانه‌های روسی علیه ترکیه، ناتو، ایالات متحد آمریکا و انگلیس به دنبال سرنگونی سوخوی روسی از سوی ترکیه و بحران تازه‌ی که پس از آن پدید آمد، بیشتر گسترش یافته است. چون حکومت کابل با پشتیبانی مالی و سیاسی دولت واشنگتن روی کار آمده، روس‌ها نسبت به آن نیز بدگمان اند و اعتماد چندانی به مقام‌های افغانستان ندارند. خبرگزاری تاس روسیه آخرین با تکیه بر منابع نامعلوم در نهادهای امنیتی دولت کابل، حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی اشرف غنی و معصوم استانکزی، سرپرست وزارت دفاع افغانستان را به پشتیبانی از داعش در شمال کشور متهم کرد؛ اتهامی که پیش از این نیز از سوی برخی از منابع معلوم افغانی به آدرس آقای اتمر مطرح شده بود. از سوی دیگر، در حالیکه مقام‌های حکومت افغانستان بارها از روسیه درخواست کمک نظامی کرده اند، دولت مسکو گفته است که تنها به شکل تجارتي به دولت کابل جنگ‌افزار خواهد داد. اینهم نشانه‌ی دیگری از بی‌اعتنایی روس‌ها به دولت افغانستان.

تمایل روس‌ها به طالبان بیانگر این واقعیت نیز است که "حکومت وحدت ملی" در بیش از یک سال حاکمیت‌اش توانایی سیاسی و نظامی کمی از خود به نمایش گذاشت که تصرف شهر قندز از سوی طالبان این ناتوانی را به صورت آشکار نشان داد. طالبان پس از کنترل کوتاه‌مدت شهر قندز، سطح نگرش‌ها و

روس‌ها از مدت‌ها پیش به این باور رسیده اند که داعش پروژه‌ی آمریکایی است. رسانه‌های روسیه با صراحت تمام در این مورد ابراز نظر می‌کنند که داعش و سایر گروه‌های تندرو اسلامی توسط سازمان‌های استخباراتی غرب و دوستان منطقه‌ی آنها (عربستان سعودی، ترکیه، قطر و امارات متحد عربی) تمویل و تسلیح می‌گردند. موج افشاگری از سوی رسانه‌های روسی علیه ترکیه، ناتو، ایالات متحد آمریکا و انگلیس به دنبال سرنگونی سوخوی روسی از سوی ترکیه و بحران تازه‌ی که پس از آن پدید آمد، بیشتر گسترش یافته است. چون حکومت کابل با پشتیبانی مالی و سیاسی دولت واشنگتن روی کار آمده، روس‌ها نسبت به آن نیز بدگمان اند و اعتماد چندانی به مقام‌های افغانستان ندارند. خبرگزاری تاس روسیه آخرین با تکیه بر منابع نامعلوم در نهادهای امنیتی دولت کابل، حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی اشرف غنی و معصوم استانکزی، سرپرست وزارت دفاع افغانستان را به پشتیبانی از داعش در شمال کشور متهم کرد؛ اتهامی که پیش از این نیز از سوی برخی از منابع معلوم افغانی به آدرس آقای اتمر مطرح شده بود. از سوی دیگر، در حالیکه مقام‌های حکومت افغانستان بارها از روسیه درخواست کمک نظامی کرده اند، دولت مسکو گفته است که تنها به شکل تجارتي به دولت کابل جنگ‌افزار خواهد داد. اینهم نشانه‌ی دیگری از بی‌اعتنایی روس‌ها به دولت افغانستان.

پشت پرده‌ی حضور...

قطر را رد کرد، ولی از فرصت‌های دیگر چشم پوشی نکرد. اسد مذاکرات خود را با ایران برای طرح احداث خط لوله دیگری آغاز کرد. این خط لوله که از سوریه می‌گذشت، گاز ایران و عراق را به اروپا منتقل می‌کرد. سه کشور، ایران با بزرگترین جمعیت شیعه، عراق که حکومت آن پس از صدام به دست شیعیان افتاد و حکومت علوی سوریه به زودی کار به روی احداث خط لوله جدید را آغاز کردند و بدین صورت یک شبکه شیعی برای انتقال انرژی شکل گرفت و اولین بذره‌های فرقه‌گرایی کاشته شد.

روسیه نیز از این طرح استقبال کرد، زیرا نظارت بر صادرات گاز ایران به اروپا به مراتب برای روسیه آسان‌تر بود. پایگاه طرفوس نیز به لحاظ استراتژیک امکان این نظارت را فراهم می‌کرد. شرکت گازپروم موافقت کرد که پروژه احداث این خط لوله را به عهده بگیرد. افزون بر این، روسیه و سوریه با یکدیگر توافق کردند که روسیه به اکتشاف میدان‌های گازی سوریه در سواحل دریای مدیترانه بپردازد و در صورت کشف گاز یا نفت در این میادین، یکی از شرکت‌های نفت و گاز دولتی سوریه به مدت ۲۵ سال منافع حاصل از آن را در انحصار خود بگیرد. در همین حال، گازپروم با اسرائیل به توافق رسید که احداث تاسیسات مربوط به گاز طبیعی مایع در اسرائیل و انتقال گاز اکتشاف شده به اروپا را به عهده بگیرد. روسیه هم اکنون درصدد است که توزیع گاز مایع قبرس را نیز در دست بگیرد.

به همین دلیل خط لوله گاز ایران نیز برای

روسیه از اهمیت بالایی برخوردار است. پس ورود روسیه به جنگ سوریه در ماه اکتبر، تنها در راستای حمایت از بشار اسد نبوده، بلکه حمایت از اهداف آن در زمینه انرژی نیز مدنظر بوده است.

ترکیه ترکیه به لحاظ برخورداری از منابع نفت و گاز ضعیف است، اما موقعیت ژئواستراتژیک آن، ترکیه را تبدیل به یک قطب انرژی کرده که خاورمیانه و اروپا را به یکدیگر متصل می‌کند. بسیاری از پروژه‌های خط لوله نفت و گاز که از ترکیه می‌گذرند و گاز را از خاورمیانه یا آسیای مرکزی به اروپا منتقل می‌کنند مدتی است که در ترکیه معلق مانده و این به معنای کاهش قیمت نفت و گاز و کاهش سهم روسیه در بازار اروپا است.

روسیه مایل نیست نقش مسلط خود را در بازار نفت و گاز از دست بدهد و از طرف دیگر به دنبال این است که ایران، عراق و دریای مدیترانه را به مناطق تحت نظارت خود در حوزه نفت و گاز تبدیل کند. در این راستا، ترکیه مانع اصلی مقابل روسیه محسوب می‌شود. پروژه خط لوله ناپاکو، خط لوله انتقال گاز آناتولی و آدریاتیک، هیچ یک مورد پسند روسیه نبود. اگر طرح احداث خط لوله قطر-سوریه نیز مورد پذیرش قرار گرفته بود، مشکلات برای روسیه به مراتب بیشتر می‌شد.

احداث خط لوله ایران-عراق-سوریه می‌تواند به روسیه کمک کند که ترکیه را دور بزند. به همین ترتیب احداث خط لوله اسرائیل-قبرس-یونان (که احداث این خط لوله نیز مورد حمایت روسیه است) می‌تواند ترکیه را از سر راه

روسیه بردارد.

ترکیه و روسیه مذاکرات خود را روی خط لوله ترکیه، که قرار بود جایگزین پروژه کنسل شده خط لوله جنوبی روسیه شود، آغاز کردند اما این مذاکرات یک ماه پیش به حالت تعلیق در آمد. کارشناسان حوزه انرژی هیچ‌گاه دید مثبتی به پیشرفت این پروژه نداشته‌اند. این پروژه تنها یک حرکت سیاسی از جانب دو کشور بوده است.

کاهش قیمت نفت

هدف نهایی روسیه در سوریه و ارتباط آن با ترکیه می‌تواند واکنش‌های غیرمتعادل روسیه پس از سقوط جنگنده روسی توسط ترکیه را به خوبی نشان بدهد.

روسیه مدتی است که درگیر رکود اقتصادی شده است. قیمت نفت نیز از ۱۱۵ دلار برای هر بشکه در جون ۲۰۱۴ به ۴۵ دلار برای هر بشکه در نوامبر ۲۰۱۵ رسیده است. روسیه از جمله کشورهایی است که از تصمیم سران اوپک مبنی بر افزایش سهم تولید نفت، علی‌رغم قیمت پایین آن، ضربه دیده است. از طرفی، روسیه خواهان کاهش تولید خود، برای افزایش قیمت نیست، در حالی که وضعیت قیمت‌ها منجر به از دست دادن نزدیک به دو میلیارد دلار درآمد روزانه برای روسیه می‌شود و کاهش قیمت‌ها می‌تواند ضررهای بیشتری را به روسیه تحمیل کند.

از آنجایی که محبوبیت پوتین در روسیه همچنان در سطح بالایی قرار دارد، نمی‌توان ادعا کرد که مردم روسیه رهبری وی را در آینده نزدیک به چالش بکشند، اما کرملین نمی‌تواند از عهده هزینه‌های نظامی سنگین خود در آینده بر آید. پوتین امیدوار است که با افزایش تنش‌ها با ترکیه، قیمت نفت را بالا ببرد، اما در عین حال اقدامات وی ثبات را در منطقه بیش از پیش از میان می‌برد.

وزارت دفاع: کنترل مرکز ولسوالی سنگین به دست

نیروهای افغان افتاده‌است

به گفته او اکنون وضعیت در ولسوالی سنگین کاملن بهبود یافته است. نیروهای کماندوی ارتش در حال پاکسازی ولسوالی هستند و اوضاع را تحت کنترل دارند. سخنگوی وزارت دفاع افغانستان تصریح کرد که به نیروهای امنیتی افغانستان در این ولسوالی از طریق هوا چندین بار کمک‌رسانی شده و از طریق زمین نیز یک کاروان بزرگ نیروهای امنیتی افغان تا ساعاتی دیگر به سنگین می‌رسند.

صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله افغانستان نیز در

مقام‌های امنیتی افغانستان می‌گویند که نیروهای امنیتی این کشور کنترل بازار ولسوالی سنگین را به دست گرفته و تلاش برای پاکسازی این ولسوالی از نیروهای گروه طالبان آغاز شده‌است.

دولت وزیری، سخنگوی وزارت دفاع افغانستان با تأیید این خبر در یک نشست خبری اعلام کرد که از شدت جنگ در ولایت هلمند بخصوص ولسوالی سنگین کاسته شده‌است. او افزود که اسلحه و مهمات کافی نیز برای نیروهای امنیتی مستقر در سنگین رسیده است.

مشارکت سیاسی و کنش...

از آنجایی که در انتخابات ریاست جمهوری، سرنوشت و رای مردم به بازی گرفته شد و بعد از گذشت بیش از یک سال از عمر این حکومت، هنوز هم نتیجه‌ی مطلوبی در کارنامه‌اش دیده نمی‌شود و مردم نیز در شرایط بد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زندگی می‌کنند. ولی اگر حکومت بعد از این نیر در فکر رفاه اجتماعی، رشد اقتصادی، تأمین امنیت، تحقق عدالت اجتماعی، تأمین ثبات و ایجاد اشتغال نباشد، مردم این دیار، (با وجودی که نتیجه‌ی رای شان حکومت موجود نیست) رای‌های شان را از حکومت

بدون رقابت سیاسی، مشارکت دموکراتیک به شمار نمی‌رود." (بشیریه، ۱۳۸: ۳۷۵: ۳۷۶) بر اساس نظریه‌ی نتیجه‌بخشی که یکی از مقدماتی‌ترین و ساده‌ترین نوع تبیین کنش رای دهندگان است، "هر کنشی که نتیجه‌بخش باشد، معقول است." (بودن، ۱۳۸۹: ۲۸۷) اگر "حکومت وحدت ملی" را در قالب همین یک جمله مورد بررسی قرار دهیم، در می‌یابیم که این حکومت نتیجه‌ی مطلوب‌تری نسبت به حکومت قبلی نداشته است. بدین اساس، تشکیل "حکومت وحدت ملی" نه مطلوب، نه نتیجه‌بخش و نه هم دموکراتیک بوده است. اما

برگی از تاریخ

شش جدی، از چشم انداز تاریخی

"این جانب ببرک کارمل به مناسبت سقوط مرگبار و واژگون شدن رژیم فاشیستی حفیظ الله امین، این جاسوس سفاک امپریالیزم امریکا و دیکتاتور جبار و عوام‌فریب، به شما وطنداران غذاب دیده، مسلمانان مستضعف افغانستان که تاکنون در زیر یوغ جلاذ آدم‌کش و شیاد تاریخ، حفیظ الله امین و امینی‌ها قرار داشتید درود می‌فرستم و شادباش می‌گویم.(صدای ببرک کارمل که از رادیوی تاشکند پخش شد)

ببرک کارمل قدرت را در سایه‌ی نیروهای شوروی به دست گرفت. او در شامگاه بیست و هفتم دسامبر ۱۹۷۹ مطابق ششم جدی ۱۳۵۸ در سخنرانی‌یی که از یک فرکانس رادیویی خارجی نزدیک به رادیو افغانستان پخش شد، پایان سلطه‌ی امین را اعلام داشت. هجوم نیروهای شوروی به افغانستان و تعویض قدرت در کابل هنوز در سرخط خبری جهان قرار داشت و مقامات شوروی سعی داشتند تا دخالت شان را در افغانستان توجیه کنند.

اینجا لندن است، رادیو بی. بی. سی: اتحاد شوروی درباره‌ی کودتای دیروز افغانستان اظهار نظر کرده است. در کودتای دیروز افغانستان حفیظ الله امین رئیس جمهور آن کشور برکنار و سپس اعدام شد.

تجاوز شوروی به افغانستان واکنش شدیدی را در سراسر جهان برانگیخته بود. در همان لحظه‌های ورود نیروهای شوروی، جیمی کارتر، رئیس جمهور امریکا اعلام داشت که شوروی باید برای تجاوز خود در افغانستان بهای مشخصی بپردازد. رئیس جمهور کارتر در اولین روزهای هجوم، طی یک رشته اقدامات سمبولیک، تحریم‌های اقتصادی را علیه اتحاد شوروی اعلام داشته و تصمیم گرفته شد که امریکا در بازی‌های المپیک ۱۹۸۰ در مسکو شرکت نکند. زیگنیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی پرزیدنت کارتر در طرح یک سیاست سخت‌گیرانه علیه اتحاد شوروی و سنگین ساختن بهای دخالت نظامی آن در افغانستان نقش مهمی داشت:

وقتی که نیروهای اتحاد شوروی وارد افغانستان شدند، دیدگاه من مورد قبول قرار گرفت و بنابر این برای اولین بار در تمام دوران جنگ سرد، ما به طور فعال شروع کردیم به حمایت از یک مقاومت مسلحانه در مقابل نیروهای شوروی. در این حالت، هدف حملات این جنبش مقاومت نفرات ارتش سرخ بود و ما نیز به طور غیرمستقیم در این حملات درگیر شدیم. این یک کام و تصمیم بی‌سابقه بود. نتیجه‌ی آن هم درهم شکستن و از پای درآوردن نیروهای شوروی بود. درست برعکس نمونه‌ی ویتنام که در آنجا، آن‌ها با حمایت از ویتنامی‌ها به جنگ نیروهای ما آمدند. اگر ما قاطعانه از مجاهدین حمایت نمی‌کردیم، احتمال داشت که نیروی شوروی آن‌ها را شکست دهد و بازم می‌گویم که ما خود را به حمایت از مجاهدین متعهد کردیم و این واقعن یک تصمیم بی‌سابقه بود.

برژینسکی در راس یک هیئت امریکایی در اوایل فبروری ۱۹۸۰ به پاکستان سفر کرد و در دیداری از دره‌ی خیبر در نقطه‌ی مرزی پاکستان و افغانستان به خبرنگاران و عکاسان اجازه داد تا از او که یک تفنگ ساخت چین را به سوی افغانستان نشان گرفته بود، عکس برداری کنند؛ ژست معناداری که نشان می‌داد امریکا در برابر دخالت شوروی در افغانستان بی‌طرف نیست.

موضع امریکا در مخالفت با شوروی به زودی از حمایت بزرگی در منطقه و جهان برخوردار شد. تمام کشورهای غربی، چین، پاکستان و عربستان سعودی به جبهه‌ی مخالف شوروی در افغانستان پیوستند. افغانستان به مهم‌ترین میدان جنگ سرد مبدل شد. اعضای سازمان ملل در اواخر نوامبر ۱۹۸۰ با یکصد و یازده رای موافق و بیست و دو رای مخالف و دوازده رای ممتنع، تجاوز خارجی را به افغانستان محکوم کردند و خواستار خروج نیروهای خارجی از این کشور شدند. اما شوروی تأکید داشت که دخالت نظامی آن فقط به هدف کمک به افغانستان صورت گرفته است. لئونید برژنف که به دلیل بیماری و کهولت سن، با مشکل اتحاد شوروی را در آن روزها اداره می‌کرد، در یک سخنرانی هم زمان با دخالت شوروی در افغانستان نقش ارتش شوروی را صلح‌جویانه خواند: نیروهای ما علیه ملت‌های دیگر به کار نرفته و هیچ‌گاه به کار نخواهد رفت.

صرف نظر از این اظهارات و تلاش برای قانونی جلوه دادن دخالت نظامی در افغانستان، طوری که پروفیسور فرد هالیدی از مدرسه‌ی علوم سیاسی دانشگاه لندن می‌گوید، ترس از ایجاد یک دولت دشمن در کابل، علت اصلی هجوم شوروی به افغانستان بود."

منبع: افغانستان در قرن بیستم، نوشته‌ی ظاهر طینین، از انتشارات اکادمی علوم افغانستان، صص ۲۹۴-۲۹۶

دادخواهی ادامه دارد!

کشم... شکریه فروغ

روز جمعه هزاران تن از باشندگان کابل و خانواده شهدا به مناسبت چهلم هفت شهید زابل، در مصلاهی شهید مزاری در غرب کابل گردهم آمدند و ضمن تجلیل از چهلمین روز شهید عزیزان شان، بر خواست‌ها و مطالبات شان تاکید کردند. در این مراسم که توسط ستاد مردمی یادواره‌ی شهدای زابل برگزار شده بود، نویسنده‌ها، شاعران و هنرمندان روی صحنه آمده، مقاله خواندند، سخنرانی کردند، شعر خواندند و تئاتر بازی کردند. این ستاد خواست‌های شان را از حکومت وحدت ملی در قطعنامه‌ی هفت ماده‌ی مطرح کردند. آنان، خواستار "رفع تبعیض، تحقق عدالت، تامین امنیت شهروندان، امن‌سازی جاده‌ها به ویژه شاهراه‌هایی منتهی به هزاره‌جات، ایجاد قول اردوی منظم در مناطق مرکزی، ایجاد و تعدیل واحدهای اداری، توقیف و محاکمه گروگان‌گیران و جنایت‌کاران جنگی، احترام به آزادی بیان و جلوگیری از تعرض به کرامت انسانی با استناد بر قوانین نافذه‌ی کشور و میثاق کنوانسیون‌های بین‌المللی شدند و از دولت خواستند، به فرهنگ گروگان‌گیری پایان داده و برای رهایی فوری ۱۵۰ گروگان در بند اقدام نماید." این ستاد، هشدار داد، در صورتی که به خواست‌های آنان پاسخ مثبت داده نشود، با جمع میلیونی شان پیش دروازه‌ی سفارت امریکا خواهند رسید.

سوال اینجاست که چرا دولت در مدت چهل روز گذشته به تعهداتش وفا نکرده و برای توقیف و محاکمه گروگان‌گیران عملیاتی را به راه نینداخته اند؟ چرا دولت از گروگان‌گیری‌هایی که در این مدت در جاهای مختلف رخ داده است، احساس بی‌خبری می‌کند؟ و چرا با وجود ایجاد پوسته‌های امنیتی در مسیر قره باغ-جاغوری هنوز هم شهروندان از مسیر این راه‌ها روبرو می‌شوند؟

این خواست‌ها بر اساس قانون اساسی، قوانین ملی و میثاق‌های بین‌المللی کاملن برحق بوده و دولت نیز دلیلی برای انجام ندادن آن ندارد، چون اکثریت این خواست به لحاظ قانونی، مسوولیت اساسی دولت به شمار می‌رود.

روز بیستم عقرب، نیز خواست این مردم فقط تامین امنیت بود و تنها راه حل آنرا در تشکیل قول اردو در مناطق مرکزی می‌دانستند. چون پنج قول اردو در مناطق شرق، غرب، جنوب، جنوب غرب و شمال کشور شامل تشکیل وزارت دفاع است و عملن فعالیت دارند، اما مناطق مرکزی از قول اردو نداشتند. وظیفه‌ی اساسی این قول اردوها، به شمول فرقه‌ها و قوای هوایی‌یی که در تشکیل وزارت دفاع است، راه‌اندازی عملیات‌های گسترده‌ی بر ضد تروریستان، طالبان و دشمنان مردم افغانستان است و حفظ امنیت شهروندان است. اما مناطق مرکزی بدون پوشش امنیتی از سوی اردوی ملی، در وضعیت بسیار دشواری قرار گرفته است. مناطق مرکزی در حقیقت در محاصره‌ی تروریستان قرار دارد، مسیر راه‌های این مناطق نیز کاملن در کنترل تروریستان و طالبان قرار دارند، هر وقتی که خواسته اند، مردمان این مناطق را گروگان گرفته، به رگبار بسته، سلاخی کرده و یا اموال شان را به تاراج برده و می‌برند.

خواستن قول اردو برای مناطق مرکزی، خواست محلی و قومی نیست، بلکه این یک خواست ملی است. زیرا امن شدن یک گوشه‌ی از این خاک، تاثیر عمیقی روی امنیت مناطق دیگر دارد. لذا با ایجاد قول اردو در مناطق مرکزی، ما شاهد حضور داعش در خاکی‌ران (خاک افغان) نخواهیم بود و دیگر در مسیر راه‌ها لبخند از لبان کودکان و شادی از خانه‌های مردم رخ نخواهند بست.

بدین اساس، دولت باید به این خواست‌ها لیبک گفته و با امن سازی مسیر راه‌ها، راه‌اندازی عملیات‌ها علیه تروریستان در زابل، غزنی، ننگرهار و دیگر مناطق ناامن کشور، مسوولیت شان را انجام داده و به تعهداتش عمل کند، در غیر آن همین موج میلیونی بارها دروازه‌ی ارگ را خواهند کوبید و بارها به قانون مراجعه خواهند کرد و از دولت خواهان حق مشروع شان خواهند شد.

خادم فایز

مشارکت سیاسی و کنش غیر عقلانی



داشتن مقام رسمی سیاسی است. (راش، ۱۳۸۹: ۱۲۳)

عقلانیت و اجتماع همان طوری که دو اصل اساسی دموکراسی است، می‌تواند دو اصل مهم انتخابات نیز باشد. افراد می‌تواند با ایجاد تشکلهای و اجتماعات در نقاط مختلف کشور، اثربخشی سیاسی بیشتری داشته باشند. اثربخشی سیاسی ممکن نیست، مگر با انتخاب عقلانی جمعی و فعالیت‌های گروهی. البته این فعالیت‌ها و گزینش‌های عقلانی زمانی نتیجه بخش است که به گفته‌ی وبر، انسان‌ها کنش‌های معطوف به هدف و کنش‌های معطوف به ارزش را نسبت به کنش‌های عاطفی و سنتی ترجیح دهند. این عمل نیز ممکن نیست مگر این که افراد جامعه، به انسان‌های حسابگر تبدیل شوند و کنش‌های سیاسی شان را با به حداقل رساندن هزینه‌ها و به حداکثر رساندن منافع برای دستیابی به هدف و آرمان‌های شان انجام دهند. اما در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ نمایان شد که ما هنوز هم کنش‌های عقلانی معطوف به هدف و کنش‌های سیاسی ما در قالب رای دادن، معطوف به عاطفه‌های فردی، خانوادگی و قومی و عادت‌ها و سنت‌های فرهنگی بوده است. حتا بعضی از نخبگان سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و فکری و گلابیاتورها نیز در مشارکت های سیاسی شان عاطفی و سنتی برخورد کرده و کنش‌های معطوف به هدف و کنش‌های معطوف به ارزش نداشته اند.

همان طوری که نقش مردم در انتخابات و انتقال قدرت سیاسی یکی از تاثیرگذارترین سازه است. اما انتقال قدرت سیاسی از کرسی به غنی و عبدالله که براساس توافقی با میانجی‌گری جان کری صورت گرفت، نیز غیردموکراتیک بود. چون "مشارکت سیاسی... صفحه‌ی ۳"

رسانه‌ها فعالیت دارند و یا به صورت شخصی بدون عضویت در نهادی، مستقلانه سیاست می‌کنند، از جمله کنشگران فعال و تاثیرگذار اند، در بخش تماشاگران و گلابیاتورها به شمار می‌روند. همان طوری که افراد براساس علایق، ارزش‌ها و نگرش‌های خود با رای دادن شان در شکل‌دهی حکومت تاثیرگذار اند، حق شرکت در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت را نیز دارند، اما "حکومت وحدت ملی" که نه براساس رای مردم، بلکه بر اساس توافق سیاسی میان رهبران دو تیم رقیب انتخابات ریاست جمهوری و میانجی‌گری امریکا شکل گرفت، مشروعیت قانونی و دموکراتیک ندارد. اگر بپذیریم که دموکراسی در عمل به معنای مشارکت و رقابت سیاسی شماری از گروه‌ها و منافع سازمان یافته به منظور تصرف قدرت سیاسی و اداره‌ی کشور بر حسب سیاست‌ها و مواضع هر یک از آن گروه‌هاست، در آن صورت احزاب سیاسی و انتخابات کانون و هسته‌ی اصلی زندگی دموکراتیک را تشکیل می‌دهند. (بشیریه، ۱۳۸۶: ۳۷۵)

مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا عقلانیت و اجتماع همان طوری که دو اصل اساسی دموکراسی است، می‌تواند دو اصل مهم انتخابات نیز باشد. افراد می‌تواند با ایجاد تشکلهای و اجتماعات در نقاط مختلف کشور، اثربخشی سیاسی بیشتری داشته باشند. اثربخشی سیاسی ممکن نیست، مگر با انتخاب عقلانی جمعی و فعالیت‌های گروهی. البته این فعالیت‌ها و گزینش‌های عقلانی زمانی نتیجه بخش است که به گفته‌ی وبر، انسان‌ها کنش‌های معطوف به هدف و کنش‌های معطوف به ارزش را نسبت به کنش‌های عاطفی و سنتی ترجیح دهند. این عمل نیز ممکن نیست مگر این که افراد جامعه، به انسان‌های حسابگر تبدیل شوند و کنش‌های سیاسی شان را با به حداقل رساندن هزینه‌ها و به حداکثر رساندن منافع برای دستیابی به هدف و آرمان‌های شان انجام دهند. اما در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ نمایان شد که ما هنوز هم کنش‌های عقلانی معطوف به هدف و کنش‌های معطوف به ارزش نداریم، بلکه کنش‌های سیاسی ما در قالب رای دادن، معطوف به عاطفه‌های فردی، خانوادگی و قومی و عادت‌ها و سنت‌های فرهنگی بوده است. حتا بعضی از نخبگان سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و فکری و گلابیاتورها نیز در مشارکت های سیاسی شان عاطفی و سنتی برخورد کرده و کنش‌های معطوف به هدف و کنش‌های معطوف به ارزش نداشته اند.